

## آب و راهبرد هیدروهمون‌گرایی ترکیه در بین‌النهرین

بهنام سرخیل<sup>۱\*</sup>

### چکیده

موقعیت ممتاز ترکیه در شمال بین‌النهرین و برخورداری از منابع بالادستی رودخانه‌های بزرگ آن یعنی دجله و فرات که به کشورهای پایین‌دست (سوریه، عراق و ایران) سرریز می‌شوند، سبب شده برنامه‌های آبی این کشور که در قالب پروژه‌هایی مانند "گاپ" و "داپ" جهت مدیریت و تامین انرژی و توسعه کشور پیگیری می‌شود، تاثیرات فراسرزمینی و تبعات سیاسی روزافزونی یابد. این درحالی است که اغلب کشورهای منطقه با چالش‌های جدی آبی مواجه بوده و لذا بررسی سیاست‌ها و تبیین نیات و راهبردهای ترکیه پیرامون نحوه مدیریت آب این دو رود فراسرزمینی می‌تواند نقش مهمی جهت شناخت راهبردهای کلان این کنشگر فعال در معادلات میان‌مدت و بلندمدت منطقه‌ای داشته باشد. مقاله حاضر درصدد است با شیوه توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری چارچوب نظری رئالیسم، به این پرسش پاسخ دهد که ترکیه چه اهدافی را از سیاست کنترل آب و هیدروهمون‌گرایی در بین‌النهرین تعقیب می‌کند؟ فرضیه اصلی: سیاست پیشینه‌سازی قدرت منطقه‌ای موجب شده تا آنکارا به دنبال ابزارسازی سیاسی منابع آبی جهت پیاده‌کردن راهبرد هیدروهمون‌گرایی برآید تا بتواند در بزنگاه‌های سیاسی تغییرات دلخواه را بر رفتار همسایگان و در نهایت معادلات و قواعد منطقه‌ای تحمیل نماید. یافته پژوهش: هیدروهمون‌گرایی بخشی از پازل همون‌گرایی منطقه‌ای ترکیه در کنار برنامه‌هایی نظیر تبدیل شدن به هاب انتقال انرژی، قطب تولیدات فنی-تکنولوژی و مرکز تبادلات اصلی منطقه‌ای آنکارا است تا بتواند به اتکاء آن الگوهای آینده معادلات کلان منطقه‌ای در برابر کنش‌گران اصلی همچون ایران را تغییر دهد.

واژگان کلیدی: ترکیه، هیدروپلیتیک، هیدروهمون، عراق، سوریه، ایران، دجله و فرات



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره یازدهم، شماره

دوم، شماره پیاپی

چهل و یک

تابستان ۱۴۰۰

۱. عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی ره نویسنده مسئول

\* sarkheil@soc.ikiu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۹

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره یازدهم، شماره پیاپی چهل و یک، صص ۹۷-۱۲۵

### مقدمه

آب و هوا در غرب آسیا به ویژه محیط پیرامونی غرب و جنوب غربی ایران که از قدیم-الایام معروف به بین‌النهرین یا میان‌رودان بوده، به شدت در حال تغییر است. بین‌النهرین در زبان یونانی از دو کلمه meso به معنای میان و potamia به معنای رودخانه تشکیل شده و خاستگاه ادیان آسمانی و گهواره تمدن بوده و طبیعتاً یکی از میدان‌های رقابت قدرت‌های بزرگ را به خود اختصاص داده است. منطقه‌ای که امروزه در محدوده سرزمینی عراق، سوریه، ترکیه و غرب ایران قرار داشته و تحت تاثیر حوضه بزرگ دو رود دجله و فرات واقع است. بر اساس اطلاعات ماهواره‌هایی که آب و هوا را رصد می‌کنند، این حوضه، به استثنای هند شمالی، در سال‌های اخیر سریع‌تر از هر منطقه دیگر جهان آب خود را از دست می‌دهد. بگونه‌ای که همسایگان مورد اشاره ترکیه به تدریج در صدر لیست کشورهای کم‌آب دنیا قرار می‌گیرند. به‌ویژه آنکه این منطقه از نظر میانگین بارندگی‌های سالانه نیز معمولاً کمتر از یک سوم میانگین بارندگی در این سیاره را داشته و میزان بارندگی در آن از لحاظ تقسیم‌بندی جغرافیایی به طور مساوی توزیع نمی‌شود.

اهمیت بین‌النهرین نزد بازیگران اصلی منطقه غرب آسیا یعنی ایران، ترکیه و عربستان به گونه‌ای است که به یکی از عرصه‌های مهم برای کسب هژمونی در سراسر منطقه تلقی می‌شود. موضوعی که زمینه‌های حساسیت ویژه و علاقه‌مندی برای دخالت قدرت‌های بزرگ همچون ایالات متحده، روسیه و حتی چین را در پی داشته و شکل‌گیری جریان-های افراطی نظیر داعش در چارچوب غلبه‌یابی بر این منطقه استراتژیک قابل بررسی است. این اهمیت سبب شده تا موضوع آب و هیدروپلیتیک منابع آب آن وضعیت خاصی گرفته و رفته رفته به عنوان یکی از مولفه‌های استراتژیک بر مناسبات بین کشورهای منطقه نقش یابد.

در بررسی وضعیت آب در این منطقه باید گفت به طور کلی، دو دلیل اصلی برای بحران آب در غرب آسیا از جمله بین‌النهرین وجود دارد. نخست رشد سریع جمعیت و تغییر سبک زندگی که با موضوعاتی نظیر ارتقای سطح زندگی، مسائل جامعه‌شناختی و

بهداشتی ارتباط نزدیک دارد. عامل دوم کمبود منابع آب، ریشه در وضعیت جغرافیایی و زمین‌شناسی منطقه مانند شیب زمین، نحوه قرار گرفتن کوه‌ها و رودها و مسائلی نظیر آن است که موجب سوق یافتن این اقلیم در کمربند خشک و نیمه خشک جهان شده است. بگونه‌ای که برابند منفی ناشی از نسبت مصرف آب با منابع جایگزین و سوءاستفاده در مصرف بی‌رویه منابع آب احتمال بروز بحران جدی در سال‌های آینده و تشدید درگیری‌ها را غیرقابل اجتناب می‌نماید.

از دیگر عوامل تسریع در ایجاد کمبود و بحران آب به شکل خاص در بین‌النهرین می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱- گسترش بی‌سابقه بخش کشاورزی به خصوص در جنوب شرق ترکیه و تولید محصولاتی مانند پنبه، برنج، نیشکر که به سطح بالایی از آب نیاز دارند. (ترکیه در سال‌های اخیر رشد چشم‌گیری در تولیدات انواع محصولات کشاورزی و مصرف آب منطقه داشته است). ۲- عدم نوسازی سیستم آبیاری، نبود بودجه کافی برای ساخت متوازن سدها و ایجاد سیستم‌های آبیاری جدید (به ویژه در عراق و سوریه به دلایلی مانند درگیری با افراط‌گرایی داعش) ۳- نبود خط مشی‌ها و استراتژی‌های صحیح جهت برنامه‌ریزی و اتخاذ سیاستی مناسب برای کاهش مصرف آب ۴- فقدان رویکرد تعاملی بین دولت‌های منطقه که خود مانع توافق‌ها در حوضه منابع آب مشترک می‌شود.

در این چشم‌انداز اجرای پروژه‌های آبی مانند گاپ (GAP) و داپ (DAP) ترکیه را می‌توان از طرح‌های کلان آبی تلقی نمود که نه تنها تاثیر بسزایی بر شرایط اقلیمی و مناسبات آبی ترکیه و بخش‌های مهمی از منطقه خواهد داشت، بلکه آینده انواع معادلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ترکیه با همسایگان را متحول خواهد نمود.

در خصوص نوآوری پژوهش حاضر باید گفت در سال‌های اخیر اغلب مقالات و تحقیقات علمی اندیشمندان سیاسی این حوزه، متوجه چالش‌های سیاسی و تنش‌های ناشی از حضور جریان‌های افراطی و سیاست‌های ترکیه در زمینه رقابت‌های ژئوپلیتیک با سوریه و عراق بوده است و کمتر به نیت راهبردی و ایده‌های هم‌مون‌گرایی ترکیه از منظر اعمال سیاست‌ها از طریق ابزار مدیریت آب اعتناء گردیده است. درحالی‌که بنظر می‌رسد ترکیه با وجود تلاش برای عادی جلوه دادن اقدامات مدیریت آبی دو رود بین-

المللی دجله و فرات و محدود کردن آن به یک مساله داخلی، تلاش دارد تا با ایجاد کمترین حساسیت‌ها به سوی تبدیل شدن به هژمون و قدرت برتر خاورمیانه گام بردارد. از سوی دیگر تا کنون برخی مقالات به بررسی پیامدهای این قبیل اقدامات ترکیه بر مسائلی همچون شرایط اقلیمی، منافع و امنیت ملی پرداخته‌اند. برای نمونه می‌توان به مقاله "تأثیر عوامل سیاسی در تشدید پدیده گرد و غبار در حوزه رودخانه‌ای فرات و دجله" در فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی و یا مقاله "بحران آب‌های جاری فرامرزی ترکیه و امنیت ملی و محیط زیست ایران" اشاره نمود. اما چنانچه ملاحظه می‌شود مقاله پیش‌رو با نگاهی راهبردی به معادلات کلان منطقه‌ای ترکیه نگریسته و در صدد بررسی نیت و سیاست‌های آنکارا پیرامون مدیریت آب در قالب ابزاری راهبردی برای تحقق اهداف کلان منطقه‌ای خود جهت رسیدن به کنشگری هژمونیک است. در همین راستا تلاش شده تا ابعاد مختلف هیدروپلیتیک ترکیه بررسی شده و چشم‌انداز سیاست‌های آبی این کشور در قالب هیدروهژمون‌گرایی منطقه‌ای ترکیه و در چارچوب مکتب رئالیسم مورد مذاقه قرار گیرد.

### چارچوب نظری

#### ۱- هیدروهژمون‌گرایی در بستر هژمون‌یسم

هژمونی واژه یونانی به معنی سلطه‌گری و رهبری است که در حوزه نظریات روابط بین‌الملل طیف گسترده‌ای از نظریه‌پردازان نظیر گیلپین، گرامشی امانوئل والرشتاین، جوزف نای، رابرت کوهن و به‌ویژه نظریه‌پردازان مکاتب انتقادی، استفاده کرده‌اند. برخی آن را از منظر مقولاتی مانند نفوذ، مشروعیت و پذیرش یک کشور در نظام بین‌الملل بر دیگر کشورها نگریسته و گروهی دیگر نیز از حیث توجه به برقراری معادلات و الگوهای ارتباطی مانند وضعیت عدم توازن قدرت مورد اشاره قرار داده‌اند. وضعیتی که در آن رقابت میان کنش‌گران به حدی نامتوازن می‌شود که یک قدرت در درجه اول قرار گرفته و در نتیجه می‌تواند قواعد و امیال خود در حوزه‌های مختلف اقتصادی، نظامی و فرهنگی نیز اعمال کند.

با وجود اختلافات در تعریف هژمونی، مهم‌ترین اشتراک در شناسایی آن معطوف به ضرورت پشتوانه مادی و منابع کافی قدرت است. موضوعی که بیش از هر مکتب

دیگری در دیدگاه‌های رئالیسم به چشم می‌خورد. در همین راستا هژمونی شکلی از کنترل است که به ایجاد و تداوم ساختار مسلط کمک می‌کند و در درون خود ترکیبی از جبر و اجماع دارد. (تویاس، ۲۰۰۷: www.akhbar.rooz.com)

در این چشم‌انداز، قدرت هژمون سه مشخصه اصلی دارد. نخست آنکه هژمون باید در مقایسه با سایرین یک قدرت نسبی بیشتری داشته باشد. قدرتی که این بازیگر را از دیگران متمایز ساخته و برتری محسوسی به وی دهد. ویژگی بعدی، هژمون باید بتواند بر اساس قدرت و مزیت نسبی خود نقش رهبری را ایفا کند. به نحوی که درصدد ایفای نقش خاص باشد و برای نمونه درصدد القاء قوانین و سیاست‌های فرامرزی برآید. طبیعتاً این مساله در هژمون‌گرایی منطقه‌ای محدود به تلاش جهت اعمال قوانین در عرصه منطقه خواهد بود. ویژگی سوم مربوط به قبول برتری توسط سایرین است. به این معنا که صرف داشتن قدرت و مزیت نسبی کافی نبوده و در یک وضعیت دوسویه لازم است تا سایرین شرایط هژمونی را به شکل اجباری یا اختیاری پذیرفته باشند و به دلیل وجود آن مزیت برای وی نقشی متمایز قائل باشند.

#### ۱-۱ هژمونی در نظرگاه رئالیسم

نظریه رئالیسم که یکی از پایه‌های اصلی در سراسر تاریخ روابط بین‌الملل را به خود اختصاص داده بر این باور است که دولت‌ها به منزله بازیگران اصلی سیاست جهانی تحت تأثیر محیط آنارشیک بین‌المللی و عدم اقتدار مرکزی قرار دارند. در همین چارچوب ساختار آنارشیک زیربنای فکری تصمیم‌گیری‌های دولت‌ها را به شدت متأثر ساخته و برای دستیابی به بقاء، آنها را وادار می‌سازد تا رفتاری خودپارانه برای حفظ خود در پیش گیرند. در این مکتب قدرت از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در نوع روابط کشورها بوده و میزان آن رابطه مستقیم و تعیین‌کننده در منازعات بین‌المللی دارد. (یزدان‌پناه و دیگران، ۱۳۹۷: ۴-۴۳) از این رو، قدرت و پیشینه‌سازی آن در مقابل سایرین یک اولویت دائمی شده و انواع رفتارهای دولت‌ها از همکاری‌های مقطعی، اتحادها، واکنش به رفتار تجاوزگرانه، مناقشات تا جنگ‌ها با این منطق توجیه‌پذیر می‌شوند.

رئالیست‌ها بیشترین توجه را به چهره آشکار قدرت داشته و به ظرفیت‌های مادی مانند جغرافیا و وسعت سرزمینی، توان نظامی و قدرت اقتصادی و مادی تمرکز خاصی دارند.

هانس جی مورگنتا هشت عامل اصلی را زیربنای قدرت ذکر کرده است: ۱- موقعیت جغرافیایی ۲- وجود منابع طبیعی ۳- ظرفیت صنعتی ۴- وضعیت آمادگی نظامی ۵- جمعیت ۶- خصوصیات ملی ۷- روحیه ملی ۸- کیفیت دیپلماسی. (رستمی، ۱۳۹۳: ۷-۹)

از این منظر دولت هژمون باید از حیث اقتصادی، توانمندی‌ها و ظرفیت‌های بسیار زیادی داشته باشد تا قادر باشد سایر دولت‌ها را به روش‌هایی مانند تشویق و تهدید مجبور به پذیرش ساختارهای اقتصادی و تجاری موردنظر خود نماید. (پوراحمدی، ۱۳۸۷: ۳۹-۴۱) با این اوصاف منابع اولیه‌ای مانند آب یا برخورداری از موقعیت‌های پایدار اقلیمی که جایگاه راهبردی داشته و با رشد اقتصادی عجین هستند، از نقش ویژه‌ای در ترسیم این رهیافت برخوردار خواهند بود. چراکه دارندگان این منابع به کمک آن‌ها توانایی اعمال نفوذ و تغییر رفتار دیگران را می‌یابند. (Rees, 2010: 9-24)

#### ۱-۲ آب، هیدروپلیتیک و هژمون‌گرایی منطقه‌ای

هژمون‌گرایی در گذشته عمدتاً در قالب ساختار کلان نظام بین‌الملل بررسی می‌شد. در این راستا معادلات جنگ سرد که محصول رقابت دو بلوک شرق و غرب بود، غالب مسائل نظام بین‌الملل از جمله مباحث موجود در مناطق را به شدت تحت‌تاثیر خود قرار می‌داد و دو ابرقدرت از یک‌سو برای جلوگیری از پیامدهای احتمالی تسری درگیری‌ها و منازعات درون منطقه‌ای به سطوح کلان بین‌المللی و از طرف دیگر پرهیز از گسترش رقابت‌های کلان به مناطق کنترل خود، اساساً ترجیح می‌دادند به ایفای نقش مستقیم به منزله بازیگران درجه اول بپردازند. این درحالی بود که امکان داشت طرف‌های درگیر در منازعات و رقابت‌های منطقه‌ای به قدرت‌های بزرگ متوسل شوند و در نتیجه رقابت ابرقدرت‌ها محدوده مناقشات را به مناطق نفوذ گسترش داده و از این زاویه نیز ابرقدرت‌ها با ایفای نقش حمایتی به هم‌پیمانان خود کمک می‌کردند تا رقبایشان امتیازات بیشتری بدست نیاورند. (مورگان، ۱۳۸۱: ۹-۱۵)

اما فروپاشی نظام دوقطبی سبب شد تا به موازات برجسته شدن نقش کنش‌گران منطقه‌ای، مقیاس تحلیل‌ها نیز از سطح کلان و ساختاری به سطوح پایین‌تر یعنی مناطق نیز سوق یابد. (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۳-۲۱) و مباحثی نظیر هژمون‌گرایی منطقه‌ای نیز در کنار هژمون‌گرایی بین‌المللی مطرح شود. در وضعیت جدید اگرچه ممکن است قدرت-

های منطقه‌ای نقش بسزایی در مقیاس‌های جهانی نداشته باشند، اما در شکل‌گیری الگوهای منطقه‌ای نظیر روابط امنیتی و الگوهای ارتباطی در سطح محلی و منطقه‌ای تعیین‌کننده خواهند بود. (بوزان، ۱۳۸۹: ۸-۹۷)

قدرت‌های بزرگ در منطقه پیرامونی خود تلاش می‌کنند تا تبدیل به هژمون‌هایی منطقه‌ای شوند. سپس تمنای آن‌ها برای هژمونی ناگزیرشان می‌کند که مانع از هژمونی دیگر دولت‌ها شوند. (بهرامی، ۱۳۹۳: ۹۸) در همین چشم‌انداز با افزایش نقش و جایگاه قدرت‌های منطقه‌ای، به صورت طبیعی رقابت بین قدرت‌های منطقه‌ای نیز افزایش یافته و این موضوع در مناطقی مانند غرب آسیا که بازیگران اصلی و دولت‌ها به اشکال مختلف سیاسی و ایدئولوژیک دارای رقابت‌های تاریخی بوده‌اند به شکل‌های جدیدی متبلور شده است. این درحالی است که همزمان با گسترش ارتباطات و تعاملات در حوزه‌های گوناگون تجاری و مالی، به تدریج مولفه‌های اقتصادی و استفاده از آن‌ها نیز اهمیت بیشتری در سیاست خارجی دولت‌ها نسبت به گزینه‌های نظامی یافته و متعاقب آن ظرفیت‌ها و توانمندی‌های اقتصادی مانند منابع معدنی، ذخایر انرژی و از جمله حوضه‌های آبی نیز نقش روبه‌رشدی پیدا کرده‌اند.

با این مفروضات برای تبدیل شدن یک دولت به هژمون منطقه‌ای ذکر دو نکته حائز اهمیت است. نخست آنکه با توجه به تعریف مورگنتا می‌توان استنباط نمود که موقعیت هژمونی محصول رویکردها و توانمندی‌های تک‌بعدی نبوده و وجود ضعف جدی در یکی از حوزه‌های پیش‌گفته مانع مهمی در شکل‌گیری هژمونی منطقه‌ای خواهد بود. یعنی اگرچه گروهی ابزار اقتصادی، گروهی موقعیت جغرافیایی، نظامی و نظایر آن را عامل هژمون‌گرایی می‌دانند اما ترکیبی از مجموعه این عوامل لازم است. (زرقانی، ۱۳۸۸: ۵-۸۳) نتیجه آن‌که تعداد اندکی از دولت‌ها توانایی و ظرفیت لازم برای هژمون شدن در سطح منطقه‌ای را دارا هستند. نکته دوم مربوط به توانایی و تمایل دولت هژمون‌طلب برای اعمال قواعد و قوانین مورد نظر خود در سطح یک منطقه است. در این راستا برخورداری از منابعی مانند حوضه‌های غنی آب که اولاً ارتباط مستقیمی با سایر بخش‌های زندگی و امنیت انسانی در عرصه‌های تغذیه، بهداشت و درمان، مهاجرت و نظایر آن دارد و ثانیاً تامین آن برای سایر بازیگران با مشکلات متعدد همراه است، یکی از

راهبردهای دستیابی به هژمونی از طریق هیدروپلیتیک خواهد بود. بگونه‌ای که از یک‌سو بر خورداری از آب و استفاده گسترده از آن در قالب پروژه‌های توسعه‌ای آب‌پایه باعث تسری به زیرساخت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی داخلی و نهایتاً قدرت‌یابی ملی شده و از سوی دیگر با کنترل منابع آبی عملاً مانع رشد رقبا شود.

در حقیقت هیدروپلیتیک بخشی از ژئوپلیتیک بوده که با توجه به ترکیبی متوازن از آب و سیاست، تأثیر و نقش آفرینی منابع آب بر روابط سیاسی کشورها و تصمیم‌گیری‌های سیاسی در سطوح محلی و منطقه‌ای و جهانی که می‌تواند موجب تنش یا همگرایی در این سطوح شود را مورد مطالعه قرار می‌دهد. (نیرومندفر، ۱۳۹۷: ۸-۲۳۷) به‌ویژه آنکه آب به منزله کالایی استراتژیک محسوب شده که وجود آن برای دولت‌ها حیاتی بوده و نبود آن بقای دولت‌ها را تهدید خواهد نمود.

### ۳-۱ هیدروهژمونو تسری قدرت

هیدروهژمون از اصطلاحات جدید روابط بین‌الملل است که ذیل ساختار هیدروپلیتیک بر موضوع نقش و جایگاه آب در برقراری وضعیت برتری یک بازیگر نسبت به سایرین معطوف شده و با توجه به ویژگی‌های یک حوضه آبریز مشترک، به بررسی مناسبات کشور هیدروهژمون به منزله کنترل‌کننده نحوه بهره‌برداری از منابع آب مشترک در برابر سایر منتفعین آن حوزه می‌پردازد. بگونه‌ای که طی آن رابطه میان بهره‌مندی از آب با قدرت به عنوان عامل اصلی و کلیدی در معادلات فرامرزی در نظر گرفته می‌شود و کشور هژمون‌گرا درصدد است با تعیین میزان، زمان و چگونگی استفاده دیگران از منابع مشترک آبی، برتری طلبی خود را اعمال و بر سایر حوزه‌ها تسری دهد. (Zeitoun and Warner, 2006: 8-44)

این وضعیت در حوضه‌های آبریز مشترکی که به دلایل مختلف همچون مولفه‌های جغرافیایی، یک کشور امکان پیشینه کردن سود حاصل از منابع آبی مشترک را داشته باشد، شرایط خاصی می‌یابد و تعاملات طرفین را برای دستیابی به حجم بیشتر آب، به شکل معناداری با سایر موضوعات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی پیوند می‌زند. البته مسائلی نظیر کمبود آب و عدم امکان جبران آن از سایر منابع آبی در کشورهای مقابل و یا نبود قوانین و توافقات قوی نیز بر این حساسیت می‌افزاید. برای نمونه کشور



برخوردار با توجیهاتی مانند کنترل سیلاب‌ها، تولید انرژی برق‌آبی و یا کنترل کیفیت آب، نتایج مثبتی را برای استفاده از حوضه آبریز ایجاد نموده و در عین حال با توجه به محدودیت‌های آبی به اعمال برتری خود مبادرت می‌نماید.

بنابراین استفاده از منابع آبی مشترک در حالت عادی و به شکل مثبت همکاری به معنی هیدروهم‌مونی‌گرایی نبوده و تنها زمانی که برتری نسبی در برخورداری از منابع آب به عنوان مزیتی برای اعمال قدرت برتر شده و نیت سلطه‌گری به شکل منفی موجب وادار ساختن دولت‌ها شود، معادلات قدرت به سمت الگوهای سیاسی خاصی در چارچوب هم‌مونی تمایل می‌یابند. الگوهایی که موجب می‌شوند تا دولت‌هایی که با شکل منفی همکاری مواجه‌اند، به استراتژی‌ها و اقدامات ضد هم‌مونی در قالب دولت‌های غیر هیدروهم‌مونی برای بهبود وضعیت و شرایط روی می‌آورند.

۱۰۵



آب و راهبرد  
هیدروهم‌مونی‌گرایی  
ترکیب در  
بین‌النهرین

## ۲- هیدروپلیتیک و چرخش در محیط حیاتی ترکیه

اجرای پروژه‌های آبی مانند گپ (GAP) و داپ (DAP) ترکیه را می‌توان از طرح‌های کلان آبی تلقی نمود که نه تنها تاثیر بسزایی بر شرایط اقلیمی و مناسبات آبی ترکیه و بخش‌های مهمی از منطقه خواهد داشت، بلکه آینده انواع معادلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ترکیه با همسایگان را متحول خواهد نمود. رهبران ترکیه این پروژه را با حمایت‌های مالی برخی کشورهای اروپایی، نهادهای بین‌المللی مانند بانک جهانی، اتحادیه بین‌المللی انرژی هیدرولیک IHA و شورای جهانی آب WWC در قالب طرح منابع ملی دنبال نموده‌اند (قائم مقامی، ۱۳۹۶: ۱۱-۱۱۰) و آن را پاسخی برای رفع چالش‌های انرژی خود به منزله پروژه‌های طولانی مدت برق آبی و ساخت سد اعلام می‌کنند و در پاسخ به انتقادات مختلف از جمله فعالان محیط زیست مبنی بر اینکه سدسازی‌های ترکیه در حقیقت یک «قتل عام پنهان منطقه‌ای» است و محیط زیست را نابود می‌کند، این سیاست را تبلیغ می‌کنند که اغلب مناطق توسعه یافته در ترکیه محدود به مناطق ترک‌نشین بوده است و از آنجا که دلایل شکل‌گیری تروریسم، خشونت و ظهور گروه‌هایی افراطی مانند پ.ک.ک ناشی از بیکاری، فقر و نابرابری است، بنابراین اجرای این پروژه‌ها در جهت رفع نابرابری و توسعه کشاورزی و تولید بوده و منافع آن

برای کل منطقه خواهد بود. اما در تبیین و شناسایی هیدروپلیتیک ترکیه باید گفت بسیاری از تحلیل‌گران معتقدند فرهنگ راهبردی ترکیه به عنوان یک قدرت نوظهور اسلامی در غرب آسیا دچار تحول شده و به موازات تزلزل در ایده هویت یک دولت اروپایی موجب بازنگری در برخی اهداف راهبردی آنکارا از جمله نسبت به پیگیری پروژه گاپ و مدیریت مسئله آب شده است. بگونه‌ای که گروهی با طرح مباحثی همچون نوع‌ عثمانی‌گرایی آنکارا بعد از تحولات انقلابی در خاورمیانه عربی (۲۰۱۱)، معتقدند سیاست خارجی ترکیه به سمت منطقه‌گرایی و به عبارتی خاورمیانه‌ای شدن حرکت کرده است. طرحی که گرچه مقامات ترکیه آن را رد کرده‌اند، اما مخالفین بر اساس نوع کنش ترکیه در قلمرو بیرونی خود به این نتیجه رسیده‌اند که نوع‌ عثمانی‌گری در این کشور یک سیاست و طرح راهبردی است که در پی ساخت یک ترکیه جدید با میراث عثمانی و دلبستگی به اسلام سنی و یک تجربه تاریخی مشترک است. (متقی، ۱۳۹۵: ۲۵۳)

اما آنچه مسلم است اینکه با چرخش سیاست خارجی ترکیه به سمت ایفای نقش بیشتر در منطقه، تلاش برای شکل‌دهی به نظم در حال ظهور منطقه‌ای و هدایت تحولات به سمت منافع راهبردی آنکارا به اولویت اصلی کنش‌گری به خصوص محیط حیاتی آنکارا یعنی بین‌النهرین تبدیل شده و ضرورت بازنگری در عمق راهبردی آنکارا جهت تغییر موازنه در برابر رقبای منطقه‌ای سبب شده تا رهبران این کشور به دنبال ابزارسازی‌های مختلف در سیاست خارجی خود باشند. با این وصف بهره‌گیری از هیدروپلیتیک دجله و فرات در کنار مسائل متعددی از قبیل مساله پناه‌جویان، از ظرفیت‌های بالایی به منزله یکی از ابزارهای راهبردی کنش‌گری ترکیه محسوب می‌شود.

در واقع موقعیت استراتژیک ترکیه و تسلط آن بر حوزه‌های آبی دجله و فرات به عنوان یک دارایی راهبردی برای پیگیری سیاست‌های جدید ترکیه محسوب شده که در نظر رهبران این کشور می‌تواند کلید معادلات آتی ژئوپلیتیکی غرب آسیا و به‌ویژه بین‌النهرین تلقی شود تا از کریدور شمالی مرزهای سوریه، از حلب و ادلب گرفته تا قامیشلی و شنگال و استان‌های موصل و کرکوک در شمال عراق تسلط میدانی یافته و زمینه ورود به دروازه‌های خاورمیانه عربی را بیش از گذشته فراهم سازد.

لذا از لحاظ منطق رئالیسم دور از انتظار نخواهد بود ترکیه که در بالادست رودخانه‌های دجله و فرات واقع شده، جهت بالفعل‌سازی پتانسیل‌های جغرافیایی و اقتصادی، از زیرساخت‌هایی مانند ساخت مجموعه سدهای پروژه گاپ، در جهت راهبرد هیدروهمون‌گرایی گام بردارد.

توضیح بیشتر آن‌که رودهای دجله و فرات از ارتفاعات ۳۰۰۰ متری کوه‌های شمال شرقی فلات آناتولی ترکیه سرچشمه می‌گیرند. به نحوی که سرچشمه فرات، میان دریاچه وان و دریای سیاه قرار دارد و از دو شعبه اصلی با نام مراد و کاراسو تشکیل شده و در کارکامیس شهر بیرلیک ترکیه وارد سوریه می‌شود. ۲۸ درصد حوضه فرات در ترکیه، ۱۷ درصد در سوریه، ۴۰ درصد در عراق، ۱۵ درصد در عربستان سعودی و تنها ۰/۳ درصد آن در اردن قرار دارد. این رودخانه که دومین رود بزرگ خاورمیانه بعد از نیل شناخته می‌شود، میان ترکیه (۱۲۳۰ کیلومتر)، سوریه (۷۱۰ کیلومتر) و عراق (۱۰۶۰ کیلومتر) تقسیم شده است. درمورد وضعیت آبی دجله نیز باید گفت سرچشمه رود دجله در شرق ترکیه قرار داشته که طول آن ۱۸۵۰ کیلومتر بوده و حدود ۴۰۰ کیلومتر از آن در ترکیه، ۳۲ کیلومتر در مرز میان ترکیه و سوریه و ۱۴۱۸ کیلومتر از این رودخانه در عراق جریان دارد. درحالی که ترکیه ۵۱ درصد، عراق ۳۹ درصد و ایران ۱۰ درصد از حجم آب سالانه رودخانه دجله را فراهم می‌کنند. (حافظ‌نیا و دیگران، ۱۳۹۶: ۶۰-۸۵۹) بررسی اجمالی آمار وضعیت دو رود دجله و فرات نشان می‌دهد که ترکیه از شرایط بسیار مناسبی جهت کنترل و بهره‌گیری از سرچشمه این رودها برخوردار بوده و روند مذکور با تکمیل پروژه گاپ افزایش نیز خواهد یافت. به حدی که بیش از ۹۰٪ از ظرفیت آبی رودخانه فرات را که یکی از منابع حیاتی تامین آب دو کشور سوریه و عراق بوده و همچنین بخش مهمی از حوضه‌های رودخانه دجله که منبع اصلی تامین آب عراق را تشکیل می‌دهد، به شدت تحت الشعاع قرار می‌گیرد. (فرجی و رنجبر، ۱۳۹۶: ۲۵)

در واقع ساخت مجموعه سدهای این پروژه از جمله آتاتورک، سد التاورا و تحقق پروژه‌های توسعه منابع آب در ترکیه عملاً هیدروپلیتیک منطقه را متحول نموده و مشکلات روبه‌تزايدی را برای بهره‌برداران پایین‌دست ایجاد نموده و با ایجاد برتری نسبی در کنترل آب توسط ترکیه به تدریج سراسر بین‌النهرین را متحول خواهد کرد.

برای نمونه پیش‌بینی می‌شود بهره‌برداری کامل سد ایلیسو که یکی از سدهای پروژه گاپ است، موجب کاهش تدریجی آب وارد شده از رودخانه فرات به عراق از ۷۵ درصد به ۲۸ درصد شود. (حافظ‌نیا و دیگران، ۱۳۹۶: ۳-۸۶۲)

### ۳- ابعاد سیاست هیدروپلیتیک ترکیه

یکی از مسائل اصلی که ارتباط مستقیم با هیدروپلیتیک ترکیه و اهداف سیاسی از این پروژه‌ها داشته، نگاه فراسرزمینی آنکارا به آب در قالب اهداف سیاست‌خارجی در بین-النهرین است. مسأله‌ای که آنکارا هیچ‌گاه در خصوص سیاست‌های آبی خود حاضر به مذاکره با کشورهای پایین‌دست نشده و با طرح نظریه "آب‌های جاری فرامرزی" و اعمال حاکمیت ملی بر سرچشمه‌های دجله و فرات تلاش نموده خود را در جایگاه یک هیدروهمزمن معرفی نماید.

اهمیت آب بعنوان یک کالای استراتژیک، سبب می‌شود از یک سو آنکارا با برخورداری از منابع عظیم این دو رود و مهار آب‌های بالادستی و نیز نیاز مبرم کشورهای همجوار به این منابع، به این پروژه به منزله یک اهرم فشار برای اهداف و نیات خود در آینده معادلات قدرت منطقه بنگرد. بگونه‌ای که این موضوع می‌تواند سبب برهم خوردن توازن قدرت در آینده به نفع ترکیه تلقی شود. ترکیه همانطور که دائودی استدلال می‌کند، با برقراری پیوند موضوعی میان آب و سایر مباحث سیاسی می‌تواند به عنوان ابزار مهمی در معادلات جهت اخذ امتیازات و کسب قدرت نسبی در حل مناقشات استفاده کند. (قریشی، ۱۳۹۸: ۲۴۸. Dombrowsky, 2010)

پیوند موضوعی یکی از روش‌های استفاده از قدرت در میز مذاکرات است که طی آن یک بازیگر مسأله‌ای را که در آن قدرت بیشتری دارد با مسائل حیاتی برای طرف مقابل پیوند می‌دهد و از این طریق نتیجه مطلوب برای خود ایجاد می‌کند. (قریشی، ۱۳۹۸: ۲۴۹. نقل از Daoudy, 2005) با این وصف هیدروپلیتیک ترکیه از چند حیث بر معادلات منطقه پیوند خورده و می‌تواند تأثیرات و پیامدهای متعددی داشته باشد.

### ۳-۱ هیدروپلیتیک و ابعاد امنیتی

#### ۳-۱-۱ آب و کاهش تنش‌های داخلی

ترکیه در نگاه نخست، طرح‌های آبی خود را در حوزه زیرساخت‌های داخلی و با هدف ارتقاء کیفیت زندگی در منطقه اجرای پروژه یعنی استان‌های شرقی و جنوب شرقی مانند تامین و تعمیم آموزش و خدمات بهداشتی، ایجاد تاسیسات مدنی برای تامین این خدمات، تامین آب برای آبیاری ۱/۷ میلیون هکتار زمین و تولید سالی ۲۷ میلیارد کیلووات ساعت برق آبی دنبال می‌کند که در مجموع باعث افزایش درآمد سرانه خود در منطقه خواهد شد. اما در کنار اهداف اقتصادی، ترکیه اهداف مهمی دیگری نیز از این پروژه‌ها دنبال می‌نماید که اگرچه ابتدا جنبه داخلی دارد، اما بر بافت امنیتی منطقه نیز تاثیرگذار خواهد بود که در این میان بحث تاثیرات هیدروپلیتیک بر اکراد منطقه مانند کوچاندن آن‌ها از طریق احداث سدها در مناطق کردنشین در جنوب شرقی ترکیه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

برای نمونه به باور بسیاری از کارشناسان، یکی از مهم‌ترین اهداف در ساخت سد ایلسو در بستر رودخانه دجله که در مناطق کردی احداث شده است، تحقق موضوعات امنیتی در قبال کردهای این منطقه است. این سد موجب شده که بخش‌های به هم متمرکز اکراد به دو نیمه تقسیم شده و بخشی از ارتباط اکراد در عراق و ترکیه نیز قطع شود. بنابراین اگرچه ترکیه این پروژه را با هدف آبرسانی به مناطق کردنشین اعلام نموده، لیکن مهم‌ترین هدف امنیتی آن ایجاد خط حایل در مناطق کردنشین جنوب شرق و از بین بردن تمرکز اکراد و کاهش تمایلات جدایی طلبانه در این منطقه می‌باشد.

در همین چارچوب باوجود آنکه سیاست‌های آبی ترکیه در مهار دجله و فرات، موجب افزایش چشم‌گیر تولیدات کشاورزی و بهبود درآمد و توسعه اقتصادی در مناطق جنوبی این کشور خواهد شد، اما این پیشرفت لزوماً به معنای رونق اقتصادی، رفاه مضاعف و در نهایت توزیع ثروت و امکانات در همه گروه‌ها از جمله کردهای ساکن در این مناطق که از قدیمی‌ترین و شناخته‌شده‌ترین قومیت‌های موجود هستند، تلقی نخواهد شد. چراکه اساساً آنکارا نسبت به کردها با حساسیت می‌نگرد.

توضیح بیشتر آن‌که، نیمه جنوب شرقی کشور ترکیه در مقایسه با غرب و نیمه جنوبی آن از توسعه کمتری برخوردار بوده، لذا ترکیه با اجرای پروژه‌های صدرالاشاره سعی دارد توازن توسعه‌یافتگی را به شکلی که با الگوهای امنیتی داخلی نظیر موضوع کردها در تعارض نباشد، برقرار نماید. به ویژه آنکه پراکندگی کردها محدود به داخل ترکیه نبوده است. لذا به موازات توسعه اقتصادی، اهداف امنیتی ترکیه مثل تغییر بافت جمعیتی مدنظر آنکارا خواهد بود. به لحاظ آماری، تقریباً بیش از ۷۰ درصد جمعیت کردی منطقه در حوزه آبی دجله و فرات مستقر هستند. بنابراین سیاست تغییر بافت جمعیتی کردها می‌تواند موج گسترده‌ای از مهاجرت جمعیت مناطق کردنشین در این حوزه‌ها را موجب شود و با تغییر بافت جمعیتی، نسبت اکثریت قومیتی آن‌ها را از بین ببرد. اقدامی که با آب‌گیری سدهای پروژه گاپ، سبب مهاجرت اجباری و جابجایی جمعیت گسترده‌ای در مناطق کردنشین جنوب شرق آناتولی خواهد شد.

### ۳-۱-۲ آب و مهار مناطق همجوار کردنشین

ابعاد امنیتی هیدروپلیتیک ترکیه به ابعاد داخلی محدود نبوده و سیاست مهار کردها در مناطق همجوار ترکیه را نیز در برمی‌گیرد. سیاستگذاران خارجی ترکیه یکی از دغدغه‌های دائمی خود را پس از تشکیل جمهوری جدید ترکیه در سال ۱۹۲۴ همواره کنترل کردها و نهایتاً تغییر ساختار سیاسی در کردستان عراق و به حاشیه راندن و همانندسازی کردهای عراق و سوریه با فشار بر این دولت قرار داده‌اند. (متقی، ۱۳۹۵: ۲۵۹)

بنابراین ترکیه از یک‌سو با هدف آب‌رسانی به مناطق داخلی کردنشین ترکیه و از بین بردن تمایلات جدایی‌طلبانه و از سوی دیگر ایجاد خط حایل میان کردنشین‌های جنوب شرق و از بین بردن تمرکز اکراد به ویژه در مناطق مرزی عراق و سوریه گام برمی‌دارد. با عنایت به این واقعیت که بخش اعظم منابع آبی سوریه از طریق رودخانه فرات تأمین می‌گردد، لذا ترکیه با مهار بخش عمده‌ای از آن عملاً تأثیر مستقیمی بر زندگی سراسر مناطق کردنشین شمال سوریه و متعاقب آن دولت سوریه نیز خواهد داشت.

### ۳-۱-۳ آب و امنیت زیست محیطی منطقه

آب و محیط زیست به شکل پیچیده‌ای در هم تنیده شده‌اند و یکی بدون دیگری امکان وجود ندارد. از آنجا که مسائل زیست محیطی غالباً ماهیتی فرامرزی دارند، لذا این مساله موجب انواع چالش‌های زیست محیطی در حوزه‌های آبی مشترک یعنی عراق، سوریه و غرب ایران خواهد شد و به شکل غیرمستقیم با تاثیرگذاری بر سراسر اقلیم بین‌النهرین، حوزه‌های گوناگون کشاورزی و اقتصاد این مناطق را با تهدید اساسی روبرو نموده و امنیت انسانی (همچون امنیت غذایی، بهداشت و درمان) مردم این منطقه را با چالش روبرو می‌سازد. چالشی که در گام‌های بعدی بحران‌هایی همچون پراکندگی ریزگردها، قحطی و خشک‌سالی‌های گسترده را در پی خواهد داشت.

از بعد اکولوژی و تغییرات زیست محیطی، ایجاد سدهای پروژه گاپ منجر به تخریب بستر رودخانه و کاهش کیفیت آب و افزایش هزینه پالایش برای کشورهای منطقه خواهد شد. بطوری‌که به موازات تقویت اکوسیستم منطقه جنوب شرقی ترکیه، اکوسیستم مناطقی مانند عراق، سوریه و ایران که با کاهش آب ورودی روبرو شده، دچار تغییرات گسترده خواهند شد. برای نمونه با پر کردن سد ایلیسو، نواحی رود دجله در عراق و باتلاق هویزه در ایران با کمبود شدید آب روبرو شده و اکوسیستم‌های با ارزش در نزدیکی رودخانه که زیستگاه تعداد زیادی از گونه‌های در معرض خطر بوده، رفته-رفته از بین می‌رود. گفته می‌شود بیش از صدو بیست گونه پرنده در این حوضه وجود داشته که در سال‌های اخیر بسیاری از آن‌ها به دلیل تغییر اقلیم مهاجرت کرده‌اند.

### ۳-۲-۲ هیدروپلیتیک ترکیه و ابعاد اقتصادی کشورهای پیرامونی

#### ۳-۲-۱ ایران و عرصه‌های جدید رقابت با ترکیه

سیاست‌های هیدروپلیتیک ترکیه هم‌زمان با منافع بسیار برای آنکارا می‌تواند اثرات و پیامدهای زیان‌باری بر مسائل وابسته به منابع آبی کشورهای پایین‌دست در سوریه، عراق، ج.ا.ایران و حتی کویت داشته باشد. به ویژه آنکه برخلاف دو کشور اخیر یعنی کویت و ایران، منابع اصلی تامین آب دو کشور عراق و سوریه تا حد زیادی وابسته به این دو رود است. در بررسی اجمالی وضعیت آبی ایران و میزان وابستگی آن به آب‌های

منشاء خارج از مرزی باید گفت ایران حدود ۵ هزار رودخانه بزرگ و کوچک دارد که ۸۹ رودخانه، جزء رودخانه‌های مرزی هستند. در دسته‌بندی رودخانه‌های مرزی، ۱۷ رودخانه مشترک با کشورهای همجوار، ۶۸ رودخانه خروجی و ۴ رودخانه نیز ورودی هستند. (نامی، ۱۳۹۰: ۵۰-۱۴۹)

نکته مهم آنکه گستردگی جغرافیایی و تنوع اقلیمی در ایران و همچنین وجود منابع مختلف باعث شده که صرف نظر از اهمیت سیاسی منابع آب مشترک، زندگی حدود ۸ درصد جمعیت کل کشور، وابستگی مستقیم به این منابع آبی داشته باشد. (میرزایی، ۱۳۸۶: ۲۱)

البته این امر به معنی نادیده گرفتن اهمیت دجله و فرات از نگاه ایران نیست. چراکه اولاً بخش‌های وسیعی از غرب ایران به دلیل مجاورت با حوضه‌های مذکور به شکل‌های مختلف نظیر تغییرات در شرایط آب‌وهوایی هورالعظیم، چالش‌های زیست‌محیطی و پراکندگی ریزگردها و نظایر آن خواسته یا ناخواسته تحت تاثیر هیدروپلیتیک ترکیه قرار داشته و از بعد اقتصادی هزینه‌های زیادی به ایران تحمیل می‌شود. ثانیاً روند روبه رشد استفاده از منابع آبی در عرصه جهانی از جمله ایران باعث می‌شود تا عملاً میزان وابستگی به منابع آب‌های فراسرزمینی در میان‌مدت گسترش یابد و ایران را با معضلات جدیدی مواجه سازد. (طبیعتاً این چالش در مورد کویت که به‌طور مستقیم کمتر از ۱٪ به این آب‌های فراسرزمینی وابسته است به مراتب کمتر خواهد بود.) (جدول شماره یک)

از سوی دیگر با توجه به هدف‌گذاری اصلی پروژه گاپ، ترکیه فرصت‌های بی‌بدیلی برای تولید و صادرات محصولات کشاورزی و صادرات آن به ویژه اروپای غربی خواهد یافت. موضوعی که در سال‌های اخیر آنکارا را از مزیت نسبی بالایی مقابل رقبای منطقه‌ای نظیر ایران برای تجارت جهانی برخوردار نموده است. برای نمونه میزان صادرات ترکیه در ده ماهه اول سال ۲۰۱۹ با افزایش ۲۰۱ درصدی به ۱۴۸ میلیارد و ۸۴۲ میلیون دلار رسیده است.

در کنار انواع تولیدات اقتصادی، تولید انرژی به شکل نیروگاه‌های برق آبی از طریق احداث مجموعه سدهای بزرگ، یکی دیگر از مهم‌ترین اهداف برای رقابت‌های اقتصادی در مقابل سایر تولیدکنندگان انرژی از جمله ایران محسوب می‌شود. برای درک



اهمیت موضوع باید گفت سد آتاتورک سومین سد بزرگ برق‌آبی جهان محسوب می‌شود که به تنهایی ۴۸.۷ میلیارد متر مکعب ظرفیت دارد که این حجم بیش از ظرفیت کل سدهای ایران است. (<https://www.tabnak.ir/fa/news/707522>) بنابراین دور از انتظار نخواهد بود که پیگیری هیدروپلیتیک از سوی آنکارا، ترکیه را در جایگاه یکی از رقبای جایگزین اصلی ایران در صادرات برق به کشورهای منطقه به خصوص عراق و سوریه تبدیل کند و چالش بزرگی در برابر سیاست‌های تولید انرژی تهران قلمداد شود.

## ۲-۳ عراق و سوریه؛ شریان اقتصادی آب در دست ترکیه

استمرار سیاست‌های هیدروپلیتیک ترکیه نگرانی‌های زیادی را درباره سرنوشت آبی عراق و سوریه ایجاد کرده است. نگرانی‌ها به حدی است که پس از اولین مرحله پر کردن سدها در سال ۱۹۹۲ که منجر به قطع یک ماه از جریان رودخانه فرات در عراق و سوریه شد، منجر به اختطار نظامی از سوی دولت‌های این کشورها به ویژه عراق شد. البته این مساله به معنی عدم اختلاف دو کشور عراق و سوریه در بهره‌گیری از آب نبوده و مثلاً دو کشور در سال ۱۹۷۵ پیرامون استفاده دمشق از سدالثره و کاهش دبی رودخانه فرات تا مرز جنگ تمام‌عیار پیش رفته و بغداد تهدید به بمباران این سد کرد. (میان‌آبادی، ۱۳۹۸: ۵۷) اما موضوع هیدروپلیتیک ترکیه و گستردگی پروژه‌های آن بگونه‌ای است که عملاً این دو کشور را در یک جبهه مقابل آنکارا قرار می‌دهد.

در خصوص تاثیرگذاری مستقیم هیدروپلیتیک ترکیه بر سوریه باید گفت دو رود دجله و فرات بویژه رود فرات به منزله منبع آبی مهم سوریه بوده‌اند. کل منابع آب سطحی سوریه به جز فرات حدود ۹۵ کیلومتر مکعب در سال بوده است، درحالی که جریان طبیعی فرات در منطقه جرابلس ۲۸ کیلومتر مکعب بوده و تا پیش از خشکسالی‌های اخیر، منابع آب زیرزمینی قابل بازیافت در سوریه ۵/۱ کیلومتر مکعب در سال تخمین زده می‌شد. سوریه تا قبل از سال ۱۹۹۱ حدود ۲۱ کیلومتر مکعب از آب فرات را دریافت می‌کرد که از سال ۲۰۰۰ به ۱۲ کیلومتر مکعب (۴۰ درصد) کاهش یافته که با تکمیل پروژه گاپ همچنان روند نزولی ادامه دارد. (حافظ‌نیا و دیگران، ۳-۱۶۲)

این در حالی است که میزان بارندگی این کشور بین ۱۰۰ میلیمتر در مناطق بیابانی تا حداکثر ۱۳۰۰ میلیمتر در مناطق ساحلی متغیر است. بیشتر منابع آبی سوریه برای کشاورزی استفاده شده و توسعه آبیاری و تولید مواد غذایی در داخل کشور تا پیش از بحران حضور داعش همواره در اولویت بوده و حوضه رودخانه فرات منطقه اصلی این توسعه محسوب شده است. در این میان، گسترش تروریسم و جنگ در سوریه و عراق معاهدات مربوط به آب سوریه-ترکیه و همچنین سوریه-عراق را تا حدود زیادی بی‌اثر کرده و امکان توافقات چندجانبه را بعید کرده است. زیرا بخشی از حاکمیت سوریه در نقاط ورود و خروج رودخانه‌ها تقریباً از بین رفته است و پس از حملات ۲۰۱۹ ترکیه به کردهای شمال این کشور نیز به نظر می‌رسد که وضعیت بی‌ثباتی تشدید شود. هرچند با تخریب گسترده مزارع و مهاجرت مردم از مناطق روستایی فرات در سوریه، تا حد زیادی وابستگی مقطعی مردم این سرزمین‌ها به آب این دو رودخانه کاهش یافته و مزارع و باغ‌های کمتری در این مناطق مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند.

در خصوص تاثیرگذاری هیدروپلیتیک ترکیه بر عراق باید گفت دو رود دجله و فرات به عنوان بزرگترین منبع آبیاری بخشی از شهرهای بزرگ عراق، از بغداد و حومه آن تا شهر الکوت بوده و نقش اساسی در اقتصاد، اجتماع و به تبع آن سیاست عراق داشته‌اند. برای نمونه در عراق، حجم آب دریافتی از فرات ۲۹ کیلومتر مکعب قبل از سال ۱۹۹۱ هم‌اکنون به ۴/ کیلومتر مکعب (۹۰ درصد) کاهش یافته است. (حافظ‌نیا و دیگران، ۱۳۹۶: ۸۶۲)

این درحالی است که از حیث مولفه‌های اقلیمی مانند مشکل شوری خاک و جریان متغیر دجله و فرات که بعضاً باعث خشکسالی و گاهی منجر به سیلاب می‌شود، سبب شده تا این ناحیه خشک‌ترین حوضه سراسری دجله و فرات محسوب شده و وابستگی تقریباً کامل (بیش از ۸۵ درصد از منابع آب شیرین) به آب‌های این دو رودخانه داشته باشد. طبق برخی آنالیزها، هنگامی که سد ایلسو ترکیه بر رودخانه دجله نهایی شود، عراق تنها ۹/۷ کیلومتر مکعب آب دریافت خواهد کرد که به معنای آن است که ۴۷ درصد از آب رودخانه در جریان خواهد بود، یعنی ۶۹۶۰۰۰ هکتار از اراضی کشاورزی به دلیل کمبود آب رها خواهد شد. (حافظ‌نیا و دیگران، ۱۳۹۶: ۸۶۲)

البته از بعد کشاورزی باید افزود یکی از مهم‌ترین زمین‌های حاصل‌خیز و محیط‌های آبی عراق در دوره صدام زمین‌های تالابی محسوب می‌شد که بخش پهناوری از نیمه جنوبی عراق را از بغداد تا بصره پوشش می‌داد که بعد از قیام مردمی در عراق، حزب بعث تلاش کرد تا اقلیم آن را با ساخت رودخانه‌ای از بغداد تا اروند تغییر دهد. یکی از دلایل اتخاذ این سیاست این بود که شیعیان مخالف صدام در این مناطق سکونت داشته و مخالفین پنهان شده از آنجا به عنوان پایگاهی برای نبرد با حکومت استفاده می‌کردند. طی دوره مورد اشاره، رژیم بعث عراق برای امکان جابه‌جایی ارتش در تالاب‌ها، شروع به اجرای پنج پروژه اصلی زهکشی و خشک‌کردن آن‌ها کرد تا از رسیدن آب رودخانه-

های دجله و فرات به تالاب جلوگیری کند. (حافظ‌نیا و دیگران، ۱۳۹۶: ۲-۸۶۱)

این قبیل اقدامات باعث شد تا به تدریج قسمت‌های زیادی از تالاب‌های عراق خشک شده و امروزه از منشاءهای گرد و غبار در عراق و ایران شوند. در عراق، همچنین تأثیرات جنگ‌های دوران حزب بعث و سپس ظهور داعش کمک کرد تا موضوع واردات بیش از حد مواد غذایی به فقدان مزایای کشاورزی برای مردم منجر شده و از این حیث، وابستگی به آب کاهش یابد. در صورتی که عراق تا حد زیادی به آب‌های سطحی که از خارج از کشور جریان دارد وابسته بوده و خشکسالی‌ها تأثیرات مستقیمی در کاهش رطوبت خاک و افزایش گرد و غبار داشته است.

بخش دیگری از مشکل عراق در زمینه آب، دسترسی به آب سالم و فاضلاب است. پروژه گاپ تغییرات مهمی را هم از نظر کیفیت و هم کمیت در نظام جریان آب از فرات و تا حدی دجله سبب شده و کاهش جریان آب به افزایش شوری آب در نواحی پایین رودخانه منجر شده که تأثیرات جدی بر مصرف آب عراق برجای گذارد. طبق مطالعات آب‌شناسی، دلایل کاهش منابع آب شیرین عراق به شرح زیر است: ۶۰٪ به دلیل حفر هزاران چاه عمیق در حوضه دجله و فرات، کاهش بارندگی بویژه برف و ۲۰٪ از دست رفتن آب در دریاچه‌ها و مخازن دو رودخانه که عواقب حاصل از حفر بیش از حد چاه‌های عمیق در این کشور شامل افزایش خشکسالی و کاهش رطوبت خاک در بیشتر مناطق، خشکسالی در تالاب‌ها به ویژه منطقه قابل توجهی از باتلاق هویزه و به تبع آن ظهور بحران خطرناک در منطقه است.

### ۳-۳ هیدروپلیتیک ترکیه و ابعاد اجتماعی

از دیگر پیامدهای منفی هیدروپلیتیک ترکیه می‌توان به مسائل اجتماعی نظیر گسترش بیکاری، رشد مشاغل کاذب و مهاجرت در کشورهای پایین‌دست اشاره نمود. عراق و سوریه به دلیل انواع چالش‌های داخلی و خارجی مانند مدیریت ناکارآمد در بهره‌گیری منابع، درگیری‌ها و تنش‌های سیاسی و قومیتی داخلی، داعش و افراط‌گرایی با بحران‌های اجتماعی متنوعی مواجه بوده‌اند. در همین راستا کمبود آب می‌تواند بر شدت معضلات افزوده و در پی چالش‌های مختلف اقتصادی حتی ساختار اجتماعی این مناطق را دچار تحولات بنیادی نماید. برای نمونه سیر صعودی مهاجرت باعث کاهش شدید جمعیت این مناطق شده است. به ویژه آنکه پیش‌بینی می‌شود که کاهش جریان آب تاثیر منفی بر سدهای برقی و تولید انرژی برق مورد نیاز کارخانه‌های صنعتی خواهد داشت. هیدروپلیتیک ترکیه به اشکال زیر بافت اجتماعی این مناطق را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

• کمبود آب و چالش فقر: همانطور که پیشتر اشاره شد با اجرای کامل پروژه گاپ، بخش زیادی از جریان آب دجله و فرات (حدود ۷۰ درصد) از ظرفیت خود را از دست می‌دهد که با این شرایط عراق پایین‌تر از خط فقر آب جهانی خواهد افتاد (خط فقر آب یا بحران آب به عنوان ۱۰۰۰ متر مکعب آب در سال برای هر شخص تعریف می‌شود). موضوعی که بخش کشاورزی و اشتغال را آسیب جدی زده و زمینه‌های مهاجرت‌های اجباری را تشدید می‌کند.

• کاهش کیفیت آب و اختلالات بهداشتی-درمانی: مولفه‌های بهداشتی و درمانی به ویژه آب سالم با حفظ و ازدیاد جمعیت رابطه مستقیمی دارد. با کاهش ورود آب‌های شیرین و عدم احیاء سفره‌های آب، شوری و آلودگی لایه‌های آب زیرزمینی افزایش می‌یابد. از سوی دیگر با توجه به کاهش حجم اروند رود، آب‌های دریایی خلیج فارس به مناطق مختلف مانند خوزستان در ایران و بصره در عراق نفوذ کرده و باعث کاهش مضاعف کیفیت آب‌های منطقه می‌شود. طبیعتاً این موضوع به شیوع انواع بیماری‌های مسری انسان و حیوان و افزایش مرگ و میر انواع آبزیان خواهد شد.

از سوی دیگر برنامه‌ریزی‌های اولیه پروژه گاپ توجه چندانی به مساله جریان‌های بازگشتی از طرح‌های آبیاری نکرده و نتیجه این امر نیز افزایش سطوح آلودگی در بالادست آب‌های دجله و فرات می‌شود؛ مشکلی که با ورود سموم و کودهای شیمیایی به جریان آب و تخلیه فاضلاب از مراکز جدید شهری‌ای که بنابر برنامه گاپ قرار است ایجاد شوند، تشدید خواهد شد. مطالعات فنی عراقی‌ها نیز دو برابر شدن میزان آلودگی در دجله را به دنبال آبیاری بالادستی در ترکیه پیش‌بینی می‌کنند.

• سلامت عمومی و معضلات زیست‌محیطی: با اجرای پروژه گاپ، بحران‌های زیست‌محیطی مانند ایجاد مراکز گرد و غبار در تالاب‌های مرکزی بین‌النهرین تشدید می‌شود. طبیعی است که احیاء زمین‌های پایین‌دست و کمک به محیط زیست نیازمند هزینه‌های اضافی برای اقتصاد ملی کشورهای پایین‌دست داشته و دور از انتظار نخواهد بود که کشورهایی مانند عراق و سوریه با توجه به انواع مشکلات اقتصادی بعد از جنگ با داعش، عملاً نتوانند این موضوع را در اولویت‌های اصلی قرار داده و در نتیجه سلامت عمومی و محیط زیست مناطق پایین‌دست با چالش‌های زیست‌محیطی جدی مواجه شوند.

#### ۴- چشم‌انداز هیدروهمون‌گرایی ترکیه در بین‌النهرین

چنانچه در بخش سوم ملاحظه گردید، هیدروپلتیک ترکیه و قرارگرفتن در وضعیت ژئوپلتیک بالادست بین‌النهرین باعث شکل‌گیری ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و امنیتی بر این منطقه می‌شود. این درحالی است که به باور کارشناسان تفوق همونیک در بین‌النهرین که مهد تمدن و خاستگاه ادیان الهی بوده، همونیک را در کلیت خاورمیانه می‌گستراند. (متقی، ۱۳۹۵: ۲۶۳)

در همین چارچوب بی‌ثباتی منطقه‌ای و بحران‌های سیاسی ناشی از تروریسم و داعش بستری شده تا نه تنها چشم‌انداز همکاری و دستیابی به توافقات در مورد توزیع منابع آبی بین ترکیه و همسایگان بعید باشد، بلکه اولاً به دلیل اتخاذ مواضع متصلب از سوی آنکارا و طرح نظریات مبتنی بر اعمال حاکمیت ملی بر آب‌های فرامرزی دجله و فرات و اصرار بر عدم مذاکره پیرامون آن‌ها و ثانیاً اتخاذ مواضع مبتنی بر پیشینه‌سازی قدرت

در مکتب رئالیسم و حتی مواضع تهاجمی مانند حمله به کردهای شمال سوریه در سال ۲۰۱۹م و یا مداخلات نظامی در استان ادلب سوریه در سال ۲۰۲۰م حکایت از آن دارد که ترکیه به دلایل سیاسی در جهت به هم زدن توازن قدرت منطقه‌ای و تبدیل شدن به هیدروهمون منطقه گام برمی‌دارد.

بر اساس هیدروهمون‌گرایی، ترکیه با اجرای پروژه‌های آبی دو هدف عمده را دنبال می‌کند. در وهله نخست کنترل کل جریان آب دجله و فرات جهت ایجاد مزایای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی داخلی و در وهله دوم، مدیریت و کنترل تخصیص آب به کشورهای پایین دست جهت ایجاد وابستگی راهبردی آن‌ها که در هردو حالت موجب تقویت کفه قدرت آنکارا و تضعیف توان رقبا خواهد بود.

نگاه راهبردی به پروژه گاپ و مهار آب دجله و فرات که فراتر از نیازهای آبی ترکیه ارزیابی می‌شود، به نوعی با منطقه‌گرایی آنکارا و ابزارسازی رهبران این کشور برای تأثیرگذاری بر معادلات منطقه‌ای ارتباط مستقیم داشته و نشانه اهداف کلان‌تری بر پایه هیدروهمون‌گرایی ترکیه دارد.

در یک نگاه کلان به مسائل انرژی منطقه می‌توان گفت ترکیه با قرارگرفتن میان اروپا و آسیا از یک سو رابط میان کشورهای نفت‌خیز اطراف دریای خزر و حوزه خلیج فارس (به عنوان قطب‌های انرژی دنیا) با کشورهای غربی و اروپایی (به عنوان بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان انرژی) عمل نموده و از سوی دیگر به واسطه هم‌جواری با دریای سیاه، دریای اژه و مدیترانه و برخورداری از دو تنگه استراتژیک بسفر و داردانل به عنوان پلی برای انتقال انرژی، تلاش دارد تا در جایگاه مرکز انتقال انرژی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی شناخته شود. (رجبی قره‌قشلاقی و سلیمانی، ۱۳۹۰: ۱۲۲-۳)

این موضوع در شرایطی پیگیری می‌شود که خود ترکیه با کمبود جدی منابع انرژی مواجه بوده و در سال‌های اخیر به واردات انرژی (نفت و گاز) کشورهای منطقه به ویژه ایران و عراق وابسته شده است. (تیشه‌یار و گرجی، ۱۳۹۵: ۷۱-۵) ترکیه با جمعیتی بیش از ۸۲ میلیون نفر، و تولید ناخالص ملی حدود ۷۸۴ میلیارد دلار در نیمه اول ۲۰۲۰م، مصرف انرژی بیشتر را پیش‌شرط توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌داند. (<https://economic.mfa.ir/portal/contentview>) افزایش سریع تقاضا برای انرژی و

برق، و وابستگی کشور به سوخت فسیلی وارداتی، عمدتاً گاز طبیعی، نفت و سخت موجب شده تا ترکیه به دنبال ابزارهایی برای کسری موازنه باشد و اگرچه بخشی از نیاز خود را از زغال سنگ و گاز طبیعی داخلی برطرف می‌کند، اما بخش عمده‌ای از آن به کشور وارد می‌شود. در نتیجه، برنامه‌های استراتژیک مطابق با سناریوهایی ساخته شده‌اند که افزایش تقاضای انرژی با افزایش نرخ و تطبیق این تقاضا با منابع داخلی را نشان می‌دهد.

در همین راستا ترکیه برای تغییر معادلات انرژی به نفع خود تلاش دارد براساس سیاست هیدروهمومونیک به تفسیر اصل حاکمیت دولت‌ها بر منابع آبی پرداخته و مدعی شود که همانگونه که نفت هر کشوری متعلق به آن است، منابع آبی سرچشمه گرفته از ترکیه نیز متعلق به این کشور است و لذا همانگونه که آنکارا بهای نفت را می‌پردازد، حوزه‌های پایین‌دستی نیز باید بهای منابع آبی ترکیه را بپردازند. در واقع نگاه بلندمدت ترکیه این است که بتواند منابع آبی خود را با منابع نفتی همسایگان جنوبی معاوضه کند. بگونه‌ای که تسلط بالادستی بر آب‌های دجله و فرات به منزله یکی از ابزارهای کلیدی تبدیل شدن به همومونی منطقه‌ای تلقی شده که قدرت آنکارا برای شکل‌دهی مناسبات منطقه‌ای و تحمیل ترجیحات خود به سایر کنشگران را خواهد داد.

#### ۴-۱ هیدروهمومون‌گرایی ترکیه بخشی از پازل همومون‌گرایی منطقه‌ای

ترکیه با اتخاذ سیاست هیدروهمومون در بین‌النهرین ضمن دستیابی به ابزارهای چانه‌زنی جدید، بخشی از پازل اصلی همومون‌گرایی منطقه‌ای خود را در کنار برنامه‌هایی نظیر تبدیل شدن به هاب انتقال انرژی، قطب تولیدات فنی-تکنولوژی و همچنین مبدل شدن به مرکز تبادلات اصلی منطقه‌ای تکمیل نموده و فرصت خواهد یافت تنگناهای مختلف اقتصادی و سیاسی را در سایه چشم‌انداز نوین توسعه خود برطرف نماید. موضوعی که پس از روی کار آمدن دولت عدالت و توسعه در اسناد بالادستی ترکیه گنجانده شده و برای تبدیل شدن این کشور میان‌ده اقتصاد اول دنیا در سال ۲۰۲۳ یعنی یکصدمین سال تبدیل شدن جمهوری هدف‌گذاری شده است. (قلی‌پور و آقاجانی، ۱۳۹۳: ۹-۱۱) برخی از فرصت‌ها ذیل سیاست آبی ترکیه عبارتند از:

- تولید انرژی برق آبی با هدف ایجاد قابلیت برای صادرات انرژی و تبدیل شدن به هاب انرژی
- توسعه متوازن اقتصادی، صنعتی، فرهنگی نیمه جنوبی و شرقی و تولید ثروت و افزایش درآمد سرانه ملی
- افزایش مشروعیت و حاکمیت سیاسی به ویژه در مناطق جنوب شرقی ترکیه
- ارتقای وزن ژئوپلیتیک و قدرت چانه زنی بیشتر در سایر معادلات منطقه
- ایجاد وابستگی‌های اقتصادی در مقابل کاهش وابستگی به واردات نفت و گاز
- گسترش حضور و نفوذ سیاسی، اقتصادی و امنیتی در محیط پیرامونی
- امکان ایجاد چالش برای کشورهای رقیب منطقه‌ای مانند ج.ا.ایران
- برتری نسبی در تعامل با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای.

با این اوصاف در مجموع می‌توان گفت مدیریت دجله و فرات بر اساس راهبردها و رویکردهایی فراتر از مسائل داخلی این کشور و یا حتی موضوعات مربوط به کشورهای بین‌النهرین بوده و در واقع بخشی از سیاست کلان ترکیه جهت دستیابی به هژمونی منطقه‌ای را به خود اختصاص می‌دهد. در همین راستا ایران، نه تنها به دلیل قرار گرفتن پیرامون حوزه بین‌النهرین تحت تاثیر سیاست هیدروهژمون‌گرایی ترکیه و بویژه موضوعات محیط زیستی، مهاجرت‌های اجباری مردم نواحی جنوبی و نظایر آن قرار دارد، بلکه از آنجایی که تهران و آنکارا رقبای منطقه‌ای محسوب می‌شوند، ترکیه از ابزار راهبردی آب نیز در معادلات آتی برخوردار خواهد بود و برای نمونه با اعمال فشار بر دولت‌های همسوس (سوریه و عراق) تلاش می‌کند تا مناسبات را به سود خود پیش برد.

#### ۴-۲ چالش‌های هیدروهژمون‌گرایی ترکیه در بین‌النهرین

اعمال سیاست‌های آبی و پیامدهای ناشی از آن موجب حساسیت کنشگران و رقبای منطقه‌ای شده و اعتراضات متعددی را در پی داشته است. برای نمونه ایران بارها از لحاظ دیپلماتیک اعتراضاتی نسبت به اقدامات آبی آنکارا برآز داشته و مثلاً در تیرماه سال ۹۶ رئیس‌جمهور ایران در جریان کنفرانس بین‌المللی مقابله با گرد و غبار (که با حضور مسئولان و نمایندگان سازمان ملل متحد، وزرا و نمایندگان ۴۳ کشور در تهران برگزار شد)، ضمن اعتراض به سیاست سدسازی ترکیه و خسارت‌های زیست محیطی



ناشی از آن برای منطقه تاکید کرد که محیط‌زیست یک موضوع فرامرزی بوده و در نهایت نیز پیشنهادی برای همکاری جهانی در زمینه مقابله با گرد و غبار و ایجاد کمیته‌ای برای بررسی مناسبات مربوط به این موضوع ارائه شد تا پیش‌بینی مکانیزم مالی، چارچوب حقوقی و همکاری فنی و تخصصی در زمینه مقابله با گرد و غبار در سطح جهانی مورد توجه قرار گیرد. (<https://www.magiran.com/article/3754534>)

هرچند ترکیه عملاً در برابر این‌گونه اعتراضات کوتاه نیامده و با اشاره به منافع اقتصادی و اجتماعی و نیز تاکید بر داخلی بودن مسائل حوزه آبی ترکیه، آشکارا اعلام می‌نماید که از سیاست سدسازی روی دجله و فرات صرف نظر نمی‌کند. برخی پیامدهای ناشی از هیدروهمون‌گرایی آنکارا به معادلات کلان منطقه‌ای نظیر مخالفت و اصطکاک سایر کنش‌گران در برابر سیاست‌های برتری‌جویانه ترکیه و مقاومت در برابر پیشینه‌خواهی آن جهت تغییر ساختارهای منطقه بازگشته و موجب بروز انواع چالش‌ها و تنش‌های سیاسی، اجتماعی و امنیتی خواهد شد. موضوعی که حتی می‌تواند باعث جنگ‌ها و بحران‌های بین‌المللی شود. کوین واتکینز از پژوهشگران سازمان ملل پیرامون نقش روبه‌رشد آب در تحولات و رخداد‌های پیش‌رو در عرصه بین‌المللی بر این باور است که "آب می‌تواند عاملی برای صلح یا مناقشه گردد، لذا این تصمیم‌گیران سیاسی هستند که مسیر مناقشه یا صلح بین‌المللی را برمی‌گزینند" (بیران و هنریخس، ۱۳۸۷: ۲) اما برخی از تبعات احتمالی که مستقیماً به هیدروهمون‌گرایی ترکیه در بین‌النهرین مرتبط هستند عبارتند از:

- افزایش همگرایی کشورهای پایین‌دست (ج.ا.ایران، عراق و سوریه) جهت مقابله با سیاست‌های مخرب آبی ترکیه و اتخاذ رویکردهای مقابله به مثل با استفاده از ابزارهای در دست.
- تغییرات زیست‌محیطی گسترده بر بین‌النهرین که برخی عوارض آن خود ترکیه را نیز متأثر خواهد ساخت.
- شکل‌گیری و بروز مولفه‌های جدید ناامنی و حتی افزایش هزینه‌های امنیتی برای خود ترکیه (شکل‌گیری گروه‌های تروریستی و نیابتی، وقوع انفجارها و تخریب‌های احتمالی در مقابل پروژه‌های آبی و نظایر آن)

### نتیجه‌گیری

موقعیت جغرافیایی ترکیه در منطقه بسیار حساس بین‌النهرین و امکان بهره‌برداری از منابع آبی آن یعنی سرچشمه‌های دو رود بزرگ دجله و فرات سبب شده تا اتکاء به رویکردهای برتری‌جویانه و بیشینه‌سازی قدرت موردنظر رئالیسم، از طریق بهره‌گیری انواع ابزارها و پتانسیل‌های ژئواکونومیک، جزء سناریوهای اصلی آنکارا قرار گیرد. ترکیه در چشم‌انداز هیدروهمون‌گرایی از یک سو می‌تواند ابعاد مختلف امنیتی، سیاسی و اقتصادی را در عرصه‌های داخلی مانند توسعه مناطق شرقی، مهاجرت کردها و تغییر بافت جمعیتی را پیگیری نموده و از سوی دیگر با توجه به وابستگی و ضعف آبی دولت‌های متأثر از حوضه‌های آبی بین‌النهرین، خود را به هاب آبی منطقه تبدیل کرده و برتری آبی خود را به سایر حوزه‌ها سرایت دهد. موضوعی که می‌تواند به منزله تکمیل -کننده برنامه‌های همون‌گرایی منطقه‌ای آنکارا نسبت به دیگر قدرت‌های منطقه‌ای محسوب شود. این در وضعیتی است که برخی ملاحظات سیاسی و اقتصادی دستگاه سیاست خارجی ایران مانند نگاه به ترکیه به منزله یکی از دروازه‌های مهم ارتباطی با خارج از کشور، وجود روابط نزدیک اقتصادی معطوف به همسایگی همچون صادرات گاز به ترکیه و واردات کالاهای مورد نیاز سبب شده تا آنطور که شایسته است با حساسیت بالا به اتخاذ چنین رویکرد ترکیه مواجهه نشود و در نتیجه اقدامات هدفمند و جدی پیرامون سیاست‌های آنکارا صورت نگیرد. اگرچه طبق آمار میزان وابستگی ایران به منابع آبی بین‌النهرین بسیار کمتر از نیاز عراق و سوریه بوده است، اما باید خاطر نشان کرد که علاوه بر پیامدهای مستقیم (مانند چالش‌های زیست‌محیطی هورالعظیم شرقی، مهاجرت تدریجی مناطق جنوبی ایران و نظایر آن) و تأثیرات غیرمستقیم (مانند شیوع خشکسالی و بیماری‌های واگیر در سراسر منطقه، شکل‌گیری و گسترش فقر و زمینه‌های بسط افراط‌گرایی)، اعمال هیدروهمون‌گرایی می‌تواند بازتاب‌های کلان و فراتر از هیدروپلیتیک بر آینده جایگاه ایران به منزله رقیب اصلی ترکیه داشته باشد. به بیان دیگر علاوه بر انواع اختلافات ایدئولوژیک بین ایران و ترکیه، بخش مهمی از رقابت‌های این دو کشور به منافع ژئوپلیتیکی آن‌ها در بین‌النهرین نظیر مجاری انرژی آب مربوط است.

امری که ضرورت طراحی سیاست‌های حاکمیتی نسبت به معادلات آینده منطقه را در قالب پیشنهاد‌های زیر نشان می‌دهد.

- لزوم ایجاد کمیته‌های تخصصی و دائمی پیرامون بررسی و رصد هیدروپلیتیک ترکیه در ابعاد دیپلماتیک، اقتصادی و امنیتی.
- برنامه‌ریزی‌های زمان‌بندی‌شده جهت پیاده‌سازی سیاست‌های جامع در مواجهه با گام‌ها و اقدامات ترکیه با استفاده از ابزارهای در اختیار ج.ا.ایران.
- استفاده هدفمند از ظرفیت‌های دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای (در این خصوص رسانه‌های جمعی و مجازی می‌توانند نقش بسزایی در عرصه‌های گوناگون مانند حمایت از فعالیت‌های زیست‌محیطی ایفاء نمایند).
- بخش قابل‌توجهی از منابع آبی رودخانه دجله از ارتفاعات شمال غربی کشور ارمنستان سرچشمه گرفته و به ترکیه وارد می‌شود. با عنایت به اینکه ج.ا.ایران همواره نیم‌نگاهی به واردات آب از سایر کشورها داشته است، با ملحوظ قرار دادن این مسئله که ارمنستان پتانسیل‌های مناسبی برای تهاثر کالا و آب را دارا می‌باشد، بر اساس یک برنامه‌ریزی هدفمند می‌توان به توافقات لازم با این کشور مبادرت نموده و در چارچوب همکاری فنی با ارمنستان در احداث سدهای مشترک، آبهایی که از ارمنستان وارد ترکیه می‌شود را مهار نمود و به نوعی مانع انحصار ترکیه در کنترل منابع آبی شد.
- تشکیل کمیسیون‌های منطقه‌ای پیرامون آب بین‌النهرین جهت اقداماتی نظیر ائتلاف سه‌جانبه با کشورهای عراق و سوریه و طرح عملیاتی موضوع در مجامع بین‌المللی

#### منابع

- المرعی، احمد (۲۰۲۱)، بین التبریر الإنمائی والابتزاز السیاسی.. سلاح التعطیش التركي ضد العرب، بوابه الاهرام، بازدید شده ۳۱ جولای ۲۰۲۱ سایت <https://gate.ahram.org.eg/News/2605169.aspx>
- بهرامی مقدم، سجاد (۱۳۹۳)، پاسخ آمریکا به رشد چین: استراتژی بازایی توازن، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین-المللی، شماره بیستم، پاییز، صص ۹-۱۳۶

- تویباس، بادر (۲۰۰۷)، نومحافظه‌کاری، موسسه‌های فکرسازی و امپریالیسم نو، مترجم ع. بهار، نقل از مجله سیاست دفاعی، سال هفدهم، شماره ۶۷
- تیشه‌یار، ماندانا و گرجی، میلاد (۱۳۹۵)، سیاست امنیت انرژی ترکیه و نقش آن در انتقال انرژی به اروپا، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۹، شماره ۱، بهار و تابستان، صص ۹۳-۶۵
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۰)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، تهران: انتشارات امیرکبیر
- حافظ نیا، محمدرضا و دیگران (۱۳۹۶)، تاثیر عوامل سیاسی در تشدید پدیده گردوغبار در حوزه فرات و دجله، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۹، شماره ۴، زمستان، صص ۸۶۸-۸۵۷
- جلالی‌نسب، عبدالله و دیگران (۱۳۹۸)، میز آینده‌پژوهی تحولات اوراسیا؛ نیت راهبردی ترکیه در هیدروپلیتیک منطقه‌ای، جلسه کارشناسی، سامانه دیدبانی پژوهشکده آینده پژوهی دانشگاه عالی دفاع ملی، پاییز و زمستان
- دانش نیا، فرهاد (۱۳۹۵)، هژمونی یا افول گفتمان سیاست قدرت؛ جایگاه واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۱۶، شماره ۲، خرداد و تیر، صص ۹۹-۷۵
- رجبی قره‌قشلاقی، جعفر و سلیمانی، غلامعلی (۱۳۹۰)، ترکیه و ایفای نقش چهارراه انرژی، فصلنامه مطالعات منطقه اسرائیل‌شناسی، سال ۱۲، شماره ۳، صص ۱۱۹-۱۴۲
- رستمی، ابراهیم (۱۳۹۳)، تحلیل عناصر قدرت از منظر مکتب رئالیسم با تأکید بر نظریه هانس مورگنتا، تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران
- عراقچی، سیدعباس (۱۳۹۳)، دیپلماسی آب، از منازعه تا همکاری، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ۳، شماره ۴، زمستان، صص ۹۱-۱۱۹
- فرجی، محمدرضا، رنجبر حیدری، وحید (۱۳۹۶)، "هیدروپلیتیک خاورمیانه: مطالعه موردی حوضه دجله و فرات، رود نیل و رود اردن"، راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال هفتم، زمستان، شماره ۲۵
- قادری، طاهره و میرزایی، ساناز (۱۳۹۲)، بررسی نقش نفت در توسعه سیاسی، جامعه‌شناسی ایران، دوره ۱۴، شماره ۱، بهار، صص ۳۸-۳
- قائم‌مقامی، سیدعلی (۱۳۹۶)، بحران آب و آب‌های فرامرزی ترکیه و امنیت ملی، فصلنامه مطالعات منافع ملی، سال دوم، شماره هفتم، بهار، صص ۱۱۷-۹۷
- قلی‌پور، رحمت‌اله و آقاجانی، رضا (۱۳۹۳)، تجربه توسعه ترکیه با تأکید بر برنامه‌های توسعه و مقایسه با ایران، سومین کنفرانس الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، واکاوی نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان، اردیبهشت و خرداد، صص ۱-۱۶
- متقی، افشین و دیگران (۱۳۹۵)، میدان‌های منطقه‌ای و هژمونی در بین‌النهرین، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ۵، شماره ۲، تابستان، صص ۲۴۳-۲۶۶
- نامی، محمد حسن (۱۳۹۰)، جغرافیای سیاسی آبهای مرزی ایران: رودخانه‌ها، تهران: نشر زیتون سبز

نیرومندفر، فریبا و شهیدی، علی (۱۳۹۷)، هیدروپلیتیک ایران و عراق و بهینه کردن مصرف آب‌های مشترک، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ۷، شماره ۲، تابستان، صص ۱۳۳-۲۵۹  
یزدان‌پناه، کیومرث و دیگران (۱۳۹۷)، محاسبه قدرت نظامی با استفاده از فرمولهای قدرت ملی، سیاست دفاعی، سال بیست و ششم، شماره ۱۲۰، بهار، صص ۶۹-۴۳

Dalay, S. 2015. **Regional Kurdish politics in the post ISIS period**, Aljazeera center for studies

Him Kim, hyung, 2010. **Comparing Measures of National Power**, International Political Science Review 31(4) 405-427.

Ozum, O. 2012. **The Arab spring & its effect on Turkish-Iranian relation**, ortadogu etuleri, volume4, no2

۱۲۵

Yacoubian, M., 2013, **The Security Situation in the Syrian Arab Republic: Implications for U.S. National Security and U.S. Policy Options**, Testimony before the House Armed Services Committee, PP. 1- 2

پژوهش‌های بین‌المللی  
روابط بین‌الملل

آب و راهبردها  
هیدروهمون‌گرایی  
ترکیب‌ها در  
بین‌النهرین

